

روزنامه‌نگاری

روزنامه‌نگاری

روزنامه‌نگاری

یکشنبه ۸ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۶۸

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGANDAILY

روزنامه‌نگاری

روزنامه‌نگاری

روزنامه‌نگاری

روزنامه‌نگاری

روزنامه‌نگاری

روزنامه‌نگاری

روزنامه‌نگاری

روزنامه‌نگاری

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه



عاطفه جعفری

خبرنگار گروه فرهنگ

پس از ۳۸۰ روز از شروع برنامه شیوه، پابرجاماندن بر همان سیاقی که از ابتدا داشته و نگه‌داشت فضای گفت‌وگویی متصفانه در قاب امروز تلویزیون دستاورد مهمی است. شیوه در ورود به مسائل روز عقب نمی‌ماند و در انتخاب میهمانانی با تنوع دیدگاه جانب



شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

سنت گفت‌وگو و پرهیز از مونولوگ از برنامه «شیوه» می‌تواند به بقیه سیما تسری پیدا کند؟

شیوه کمیاب تلویزیون

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

شیوه

انصاف را نگه می‌دارد. به‌دنبال ایرال‌اشدن در فضای مجازی نیست و بنا را هم بر این گذاشته آن چیزی که یکی از دو طرف نشستۀ دور میز، پیروز میدان شود. شیوه مسیر و امکانی را برای ایجاد جمع دو ایده متضاد فراهم می‌کند که لزوماً کارکرد و اعتبار این جمع طرفیت دادن به یکی از دو ایده نیست. این برنامه اگرچه در روزهای بحرانی ابتدای پاییز ۱۴۰۱ متولد شد اما امتداد و پایداری آن در این روزها که از شدت بحران‌های سال پیش کم

و بحران‌های سال پیش کم

و بحران‌های سال پیش کم

و بحران‌های سال پیش کم

و بحران‌های سال پیش کم

و بحران‌های سال پیش کم

و بحران‌های سال پیش کم

و بحران‌های سال پیش کم

و بحران‌های سال پیش کم

و بحران‌های سال پیش کم

و بحران‌های سال پیش کم

شده است، نشانگان واضحی است بر اینکه قرار نیست، شیوه گریزگاه روانی یا به عبارتی سوپاپ اطمینان برای افکار عمومی باشد. شیوه می‌تواند با رعایت ضوابط انصاف در اجرای یک برنامه‌گفت‌وگو محور که همچنان موقعیت پاسخگویی به سوالات ذهنی مسأله‌مندان امروز جامعه ایران است را حفظ کند یا لااقل به‌عنوان نقطه شروعی برای طرح مباحث مهم و جدی باشد. بخش مهمی از این مسأله‌مندان نسبت به آنچه در جامعه ایران

به‌عنوان یک مسلمان و معتقد جلوگیری می‌کنم و می‌گویم روش و شیوه ارائه بحث درست نیست یا مثلاًکنته‌ای بیان می‌شود که جای بحث ندارد یا خلاف اخلاق حرفه‌ای بحث می‌کند و اینجاست که مجری هم جلوی این‌را می‌گیرد اما جاهای دیگر که مجری -کارشناس نظر مخالفی دارد بهتر است با سوال پرسد. شیوه خودم به همین شکل است و به‌صورت سوالی طرح بحث می‌کنم یا مثلاً نکات خیلی کوتاه می‌گویم. چون ادب بحث اقتضا می‌کند و من هم به‌عنوان کارشناس دعوت نشده‌ام که در آن حوزه حرف بزنم.»

یکی از کارکردهای رسانه و به‌طور خاص شبکه‌های تلویزیونی فراهم کردن بستری مناسب برای شنیدن صحبت‌های گروه‌های مختلف فکری است. اما شیوه فقط برای دیده شدن این کار را انجام نمی‌دهد، آنها شیوه و کارکرد خاص خودشان را دارند، برنامه‌ای که موضوع را برای خودش در اولویت گذاشته است، بیگدلی در مورد این موضوع می‌گوید؛ «با محوریت موضوع، به‌نظم در برنامه‌های گفت‌وگومحور موضوع، محور است و سه نفر درباره موضوع صحبت می‌کنند و مجری کمک می‌کند خط اصلی بحث گم نشود. در می‌احسه‌های طلبگی و دانشگاهی هم این اتفاق می‌افتد که سه نفر استاد صحبت می‌کنند و دو نفر طرفین می‌شوند و یک نفر بحث را

چهارچوب‌بندی می‌کند. بحث خیلی ساده است. پرسیدن از اینها تا بحث را مهم جلوه‌کند، اجرا را خراب می‌کند و مجری‌ها را در شرایطی قرار می‌دهد که نگران وضعیتی شوند که اصلاً نباید نگرانش باشند. مجری کارشناسی است که باید راحت صحبت کند و نباید به حواشی فکر کند. لازم نیست جلوه‌گری کند، خیلی عادی باید گفت‌وگو را پیش ببرد و نظرات طرفین را بشنود؛ آنجا که انتقاد دارد در قالب سؤال مطرح کند و اینگونه است که بحث خوب شکل می‌گیرد.»

اگر این روزها شعار «گفت‌وگو» را زیاد می‌شنویم و قرار است به آن عمل هم بشودیکی از ملزوماتش ساختن برنامه‌های اینچنینی در شبکه‌های مختلف و با میهمان‌ها و مجریان متنوع و البته کاربلد است. مهندس حامدی، مدیر گروه فرهنگ و اندیشه شبکه چهار است و معتقد است که این گفت‌وگوها کمک‌کننده به وضعیت موجود هستند. در گفت‌وگویی که با او داشتیم، می‌گوید: «شخصاً معتقدم چنین گفت‌وگوهایی باید زودتر انجام می‌شد، اما حالا چه باید بکنیم؟ بازم برگزار نکنیم و صرفاً خارج از گود بنشینیم و تکرار کنیم دیر است و دیر است؟ ترجیح بنده این است که وارد میدان شوم و کاری را که فکر می‌کنم درست است، انجام بدهم؛ حتی اگر دیر باشد؛ امروز بهتر از فرداست.»

او در بخش دیگری از این گفت‌وگو می‌گوید: «اساساً ما معتقدیم گفت‌وگوهای صریح چند فایده دارد؛ من جمله اینکه اولاً عیار واقعی «گاو» از داریوش مهرجویی. اسم جریان‌ی که بعد از این دو فیلم راه افتاد را موح نوگذاشتند. فیلمسازهایی که در سینمای موح‌نو کار می‌کردند، سبک‌های متنوعی داشتند اما وجه مشترک همه‌شان نگاه انتقادی به مسائل جامعه و سیاست بود. موح‌نو چند سال تاوانست موازی با فیلمفارسی جلو بیاید تا اینکه درسال ۱۳۵۳ طناب سانسور دور کردنش خیلی تنگ شد و نفس‌ش را گرفت. فیلمفارسی از وقتی که بی‌رقیب شد، هر روز بیشتر از خودش تقلید کرد و برای اینکه مخاطبش را از دست ندهد، هر بار و توی هر فیلم جدیدی، دوز مسائل غیراخلاقی را بالاتر می‌برد. این کار کم‌کم پای اکثر مخاطب‌های ایرانی را از سالن‌های سینما برید و فیلم‌های خارجی یکه‌تا از گیشه شدند. قبل از سال ۱۳۵۷ که در ایران انقلاب شد، فیلمفارسی یا به عبارتی سینمای ایران کاملاً ورشکست شده بود. چند سال بعد از انقلاب که کم‌کم تکلیف همه

با سینما داشت روشن می‌شد، از یک طرف موح‌نوبی‌ها به صحنه برگشتند و شروع به کار کردند و از طرف دیگر نسل جدیدی از فیلمسازان ایرانی وارد میدان شدند. به این جریان گفته می‌شد «سینمازین»، از کیانوش عیاری



در حال رخ دادن است سوال دارند اینکه نسبت دستگاه حکمرانی با واقعیت‌های اجتماع امروز ایران چگونه است و چه باید باشد؟ اینکه فرآیندها و تاکتیک‌های پیشینی می‌توانند ارتباطات دقیقی بین اجزا و نقاط مختلف جامعه برقرار کند؟ شیوه، کورسویی برای امیدواری پرسشگرانی است که با انبوه سوالات و بمباران شبهات در فضای امروز رسانه مواجه هستند. امیدواری به سنت گفت‌وگو و پرهیز از مونولوگ در فضای امروز رسانه ملی.

آدم‌ها مشخص می‌شود. کسانی که همیشه یک طرفه‌گفت‌وگو می‌کنند، نظریات‌شان محک می‌خورد. طبیعی است چنین افرادی با گفت‌وگو مخالف باشند، چون جایگاه‌شان پوشالی است. البته خدای ناکرده قصدم منتقدان این برنامه نیست، به‌طورکلی عرض می‌کنم کسی که لیاقت علمی تصاحب جایگاهی را نداشته باشد، با گفت‌وگو مخالف خواهد بود. این جایگاه هم لزوماً جایگاه در ساختار حکومت نیست، ممکن است فردی مراد جماعتی باشد و از تزلزل جایگاهش بترسد.»

گاهی می‌بینیم که برنامه‌های مختلف سینما می‌خواهند با تریبون دادن به نظرات مخالف، در فضای مجازی آن نظرات مخالف را هر چقدر هم که نادرست باشد، بچرخانند، اما شیوه این سبک را ندارد و سعی می‌کند گفت‌وگو را در کانال درست انجام بدهد. نکته قابل توجه دیگر در شیوه، سطح بالای بحث‌ها در این برنامه است. نمونه‌هایی از برنامه‌های ضعیف با سطح پایین‌تری از مناظره در سال‌های اخیر کم ندیده‌ایم. برنامه‌هایی که میهمان‌های نسبتاً مشهور هم دارند اما اقتدار مجری برنامه، قربان صدقه میهمان می‌رود و حرف‌های او را بدون کم‌وکاست تایید می‌کند که مخاطب ترجیح می‌دهد یا تلویزیون را خاموش کند یا آن را تغییر بدهد به شبیکه دیگر، برای همین است که مدل شیوه می‌تواند تکثیر شود و خیلی‌ها در این مدتی که شیوه در حال پخش است، از مسئولان صداوسیما در مورد این برنامه پرسیده‌اند.

از پیمان جلیلی، رئیس صداوسیما، در مورد این برنامه پرسیدند و گفت: «برنامه شیوه، یکی از این تدابیری است که می‌تواند با باز کردن فضای گفت‌وگوی آرام، سالم و عالمانه، به برخی از شبهات جامعه در زمینه‌های مختلف پاسخ دهد که روزبه‌روز دارد به بلوغ خودش نزدیک‌تر می‌شود. امیدواریم الگویی باشد که هم بالغ‌تر شود، هم مسیر مستمری برای فضای تبادل افراد فراهم کند.» بلوغی که جلیلی از آن صحبت می‌کند، البته آرزویی دور می‌نماید و اگر بخواهیم بدون تعارف بنویسیم، دیگر بسیاری هیچ

امیدی به تغییر سیاست‌های صداوسیما ندارند و حتی تولید برنامه‌هایی چون شیوه را نیز مانوری مقطعی در پاسخ به بحران اخیر پیش آمده می‌دانند. مردادماه امسال، وقتی یک قسمت از شیوه، با وجود اینکه تبلیغاتی از تلویزیون صورت گرفته بود، پخش نشد، همان شب در فضای مجازی تحلیل‌های مختلف صورت گرفت که چرا شیوه پخش نشده است؛ موضوعی که نشان از تأثیرگذاری این برنامه دارد و امیدواران می‌کند به اینکه صداوسیما همین شیوه، شیوه را برای خودش دست‌گیرد و برنامه‌های اینچنینی را بسیار بسازد که دیدنش مخاطب را مسر کیف می‌آورد. چون مخاطب با گفت‌وگویی مواجه می‌شود که هدف‌گذاری دارد و برایش مسأله‌های مهم را موشکافی می‌کند.

و رخشان بنی‌اعتماد گرفته تا ابراهیم حاتم‌ی‌کیا و رسول ملاقلی پور، طیف متنوعی از فیلمسازهای ایرانی در این دوره ظهور کردند. این نسل، بین دو تاسه دهه حسابی درخشید و فیلم‌های ماندگاری به فهرست سینمای ایران اضافه کرد اما با اینکه بعد از سینمازینوبی‌ها، خیلی کمی اولی در تمام این سال‌ها وارد صحنه شدند و بعضی‌هایشان مثل رضا میرکریمی، اصغر فرهادی و حمید نعمت‌الله، آوازه‌شان پیچید. اینها همه نهایتاً یک سری تک‌ستاره بودند که خوشه‌ای درست نمی‌کردند و چندان نمی‌شد از ورود یک نسل جدید، بعد از نسل سینمای نوحین حرف زد. شاید از سال ۱۴۰۰ به بعد بود که وضع فرق کرد. آن سیستم و ساختار سابق، دیگر نه در کشف آدم‌های جدید کارکردی داشت، نه در گفتمان سازی و موج‌سازی، اینجا بود که خیلی آرام و بی‌سر و صدا اتفاقی شبیه همان اتفاقات دهه ۶۰ در سینمای ایران افتاد؛ یعنی یک نسل جدید وارد میدان شد و حالا که دو-سه سال از این جریان می‌گذرد، کم‌کم و قشش است که ورود این آدم‌های جدید را به رسمیت بشناسیم و دنبال شناختن خاصیت‌ها و ویژگی‌های به‌خصوص این نسل باشیم.